

صحن حرم تاجکجامی رود؟

کثرت زائران بقاع متبرکه، موجب گسترش فیزیکی صحن حرم آنها شده است.

آیا تداوم این شیوه به تدریج موجب جدایی مکان‌های مقدس از بافت فعال شهر و انزوای آنها نمی‌شود؟
مدل توسعه مکان‌های زیارتی چیست؟



فرخ محمدزاده مهر
کارشناس ارشد معماری
و شهرسازی



احمد علی فرزین
دکتری معماری عضو
هیئت علمی دانشگاه
تهران

گرچه اظهار نظر در مورد توسعه فضاهای زیارتی - که موجد طیف وسیعی از بقاع کوچک امامزادگان در نقاط دورافتاده از شهرها و مراکز جمعیتی تا حرم مطهر حضرت رضا (ع) با وسعت چندین هکتار و زائران میلیونی است - کاملاً به مصادیق آن بستگی داشته و ارائه یک حکم واحد و یا نسخه کلی در رابطه با آن مقدور و جایز نیست، لیکن به موارد زیر به عنوان رویکردهای توسعه می‌توان اشاره کرد:

- برخورد سطحی در استفاده از فرصت‌های بالقوه در مجموعه‌های زیارتی یا «توسعه درونی» با هدف بهره‌گیری از فضاهای طراحی نشده و بلااستفاده منجر به سرپوشیده کردن برخی از «صحن‌ها» - که از لحاظ مبانی نظری، از مهم‌ترین بخش‌های هویت‌دهنده معماری است - شده که یکی از افت‌های توسعه درونی است.

- «تغییر کاربری» فضاهای جانبی - که بعضاً به فعالیت‌های غیر زیارتی اختصاص دارد - و تخصیص آنها به استفاده زائران برای برگزاری مراسم عبادی رویکرد دیگری است که نیاز به افزایش حریم پروژه را متغی و یا تعدیل می‌کند.

- سازماندهی جدید و هندسه مناسب در تخریب و نوسازی بخش‌های غیرتاریخی، فرسوده و فاقد ارزش مجموعه‌های زیارتی می‌تواند با کاهش فضاهای بلااستفاده به افزایش ظرفیت و کیفیت فضا منجر شود. تجانس و هماهنگی بخش‌های جدید با بخش‌های تاریخی و قدیمی مجموعه به نحوی که سیما و منظر معماری اولیه را مخدوش نکرده و روح حاکم بر فضا را حفظ نماید، مورد توجه قرار گیرد.

- خلق فضاهای «زیرسطحی» همراه با اقداماتی از قبیل بهسازی لرنزای - با توجه به قدمت این بناها - رویکرد مؤثری است که کمترین تأثیر منفی در سیمای اصلی و کالبد اولیه و منظر و محیط پیرامون را در پی خواهد داشت. احداث «رواق دارالحججه» در صحن انقلاب، «رواق دارالاجابه» در جنب روضه منوره و فضاهای زیرسطحی بست بالا و بست پایین در حرم مطهر رضوی، نمونه‌های موفق از این قبیل توسعه است.

- اگرچه برخی از مکان‌های زیارتی در حاشیه و یا دور از شهرها قرار دارد، اما برخی از بقاع و زیارتگاه‌ها اساساً علت وجودی برخی از شهرها به شمار می‌آید. همان‌گونه که مساجد، سمبل محل ارتباط نمادین مخلوق با خالق است، زیارتگاه‌ها نیز مکان تجلی ارزش‌های دینی و معنوی مردم است، وجود این فضاها تا زمانی که جامعه پاینده به این آداب و سنن و اجرای آیین‌ها است، در شهر ضروری می‌نماید.

- اندازه فضاهای زیارتی، تابع تقاضا است. توسعه فضاهای زیارتی تا آنجا که به تعادل نسبی با تقاضا برسد، کالبد نهایی را شکل داده و از آن پس، فضا مانند یک موجود زنده به حیات و رشد بطئی خود ادامه می‌دهد.

در کل، آنچه که در فرایند توسعه باید مورد توجه قرار گیرد، تبعات اجتماعی و اقتصادی، اتصال منطقی این فضاها با بافت شهری، تأثیر بر فرهنگ زیارت، پرهیز از افراط در توسعه و ارتقای کیفیت فضاها با حفظ هویت و حذف ناهنجاری‌های کالبدی است.

مراکز زیارتی، کانون‌های مهم شهر است و امامزادگان در بسیاری از موارد، نقطهٔ پرگار توسعه شهر و یا محلات پیرامون آن بوده‌اند؛ مانند امامزاده سید جلال‌الدین اشرف (ع) در آستانه اشرفیه که شهر، نام خود را از امامزاده وام گرفته است.

اینکه توسعه امکان زیارتی، بافت‌های پیرامون خود را تخریب می‌کند، به اندازه آن اهمیت ندارد که تخریب و ساخت‌وسازهای بافت‌های پیرامون مراکز زیارتی باعث شده است که این مکان‌ها با همهٔ اهمیت مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خود در تنگنایی قرار گیرد که دیگر قابلیت‌های گذشته را در روند توسعه فعالیت‌های شهری نداشته باشد و در حلقه‌ای تنگ از تأثیر منافع عوامل ذی‌نفع قرار گیرد. اگرچه همپای رشد جمعیت، توسعه فضای زیارتی الزامی است. اما چگونه؟ تا چه میزان و با کدام الگو؟

امروزه متولیان این مراکز سعی در بهره‌گیری از آخرین فرصت‌های باقیمانده دارند. چنانچه این هدف با بهره‌گیری از دانش و تجربه متخصصان و در پیوند با برنامه‌ریزی‌های شهری باشد، توسعه مکان زیارتی با محوریت امامزاده می‌تواند با تمام پتانسیل‌های مثبت شهری خود، فعال شده و نقش خود را به صورت فضایی زنده، پویا و پیونددهنده بافت‌های پیرامون خود ایفا کند. برخی زیارتگاه‌ها به دلیل دارا بودن مشخصات تاریخی و فرهنگی، از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور حفاظت شده و با تعریف حریمی در اطراف آنها، هرگونه توسعه یا مداخله‌ای در آن حوزه غیرمجاز تلقی می‌شود، اما راه حلی برای فضاهای مورد نیاز زائران پیشنهاد نمی‌کند. از طرف دیگر زائران با رشدی فزاینده و مشتاقانه به زیارت می‌روند. در چنین وضعی حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی و فضاهای مورد نیاز زائران ضروری است.

در یک مدل مداخله مطلوب، توسعه برای رفع نیاز مردم باید با رعایت حریم همراه باشد؛ گرچه ضابطه حریم نمی‌تواند در همه موارد کاربرد داشته باشد و گاه الحاقات نگهدارنده با عملکردهای لازم، نقش سازه نگهبان از بنای اصلی را نیز خواهد داشت، ولی در بیشتر موارد، ضابطه میراث فرهنگی همان رعایت حریم و ارتفاع است. از آنجا که امکان زیارتی معمولاً نیاز به صحن دارد، بهتر است کاربری‌های مورد نیاز در مدل توسعه، بیشتر در پیرامون آن قرار گرفته و دسترسی را با طراحی کریدورهای شفاف و کم‌ارتفاع بین شبستان‌ها و تربت‌خانه تأمین کند. این تدبیر، فضاهای سبز و باز میان شبستان‌ها و بقعه را نیز شامل می‌شود. در این مدل، حجم صلب و سنگینی ایجاد نشده و بر حسب اقلیم و منطقه، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

در توسعه لاجرم و بلافصل بنای اصلی نیز باید به ویژگی و روح فضاهای مذهبی توجه کرد. چه چیزی مردم را تا دورترین نقاط و ارتفاعات کشور به زیارت می‌کشاند و این فضاها را همواره زنده و پویا نگه می‌دارد؟ امکان زیارتی چه چیزی دارند که شاخص‌ترین و بالارزش‌ترین آثار معماری و هنری مانند عالی‌قاپوی اصفهان ندارد؟ زبان دل مردم می‌گوید:

گر انگشت سلیمانی نباشد چه خاصیت دهد نقش نگینی



**محمدحسین
محب‌علی**
کارشناس ارشد معماری
عضو هیئت علمی
دانشگاه علم و صنعت
عضو ایکوموس ایران



مهدی ریاحی
کارشناس ارشد معماری
عضو هیئت علمی و
معاون فنی مهندسان
مشاور آستان قدس
رضوی

مکان‌های زیارتی در ایران همواره مورد توجه و احترام مردم بوده و هست. مردم با رعایت شأن و مقام عالمی که مورد احترام است، بنایی به نام مقبره به عنوان یادبود و برای زیارت برپا می‌کردند. حفظ بنای زیارتی و توسعه آن - متناسب با اصل بنا - در طول تاریخ به صورت نظام استاد و شاگردی ادامه داشته که متأسفانه این حرکت تاریخی در صد سال اخیر به فراموشی سپرده شده است. لذا پاسخگویی به نیازهای امروزی در مکان‌های زیارتی با شناخت ارزش‌های فضایی در دو بخش قابل بررسی است:

الف) بناهای زیارتی دارای ارزش معماری و هنری که به ثبت ملی رسیده و به عنوان یک سند فرهنگی - تاریخی مورد نظر است. در این بخش توجه به فرارگیری بنا در یک محوطه طبیعی، یک بافت تاریخی یا روستایی که در طول زمان شکل گرفته، مشخص کردن خواسته‌ها و نیازهای امروزی مردم، حفظ جنبه نمادین بنای زیارتی و نیز اصالت و سندیت اثر که از ارزش‌های اعتقادی این مرز و بوم است، برای طراحی اصولی در چارچوب ضوابط و مقررات بناهای تاریخی ضروری است. اگرچه با توجه به ارزش زیارتگاه‌ها ممکن است اجرای تمام خواسته‌ها در عرصه بنا و حریم آن امکان‌پذیر نباشد.

ب) بناهای زیارتی که از نظر معماری و هنری چندان قابل توجه نیست، ولی از نظر اعتقادی و زیارتی مورد احترام مردم است. در این بخش رعایت ارزش‌های اعتقادی، توجه به شأن و شخصیت فرد مورد زیارت و نیز هویت و معانی معماری ایرانی - اسلامی، توجه به سنت ساخت‌وساز بناهای مذهبی و نیاز به طراحی اصولی توسط جمعی از کارشناسان خبره، پرهیز از خودنمایی‌های بی‌مورد و شبیه‌سازی‌ها و ظاهرسازی، پرهیز از ساخت و ساز فضاهای تجاری و تفریحی بی‌مصرف در کنار بناهای مذهبی، الهام‌گرفتن از تجربه تاریخی این بناها و آرامش آنها - که از اصول پایدار این فضاها است - ضروری است تا زائر در یک فضای روحانی و آرام به راز و نیاز پردازد؛ و این در حالی است که این بناهای زیارتی به خدمات و تأسیسات امروزی و نیز بهره‌برداری از تکنولوژی روز نیاز دارند. مصداق‌های این نوع مراکز زیارتی در کشور ما به تعداد زیاد قابل مطالعه است.

در طول تاریخ بناهای مذهبی در کنار زندگی مردم شهر و روستا در ارتباط مستقیم با بافت اطراف خود بود، کوچه و بازار همواره به راحتی به بنای مذهبی متصل می‌شد، از خودنمایی و جدایی از بافت اطراف خود پرهیز می‌کرد و مردم مانند خانه خود در آن رفت‌وآمد داشتند. متأسفانه امروز با تخریب بافت اطراف بناهای مذهبی و ایجاد ساختمان‌های عظیم این ارتباط معنوی قطع شده است. این آسیب از اجرای طرح‌های جدید بدون رعایت احترام به بنای مذهبی - تاریخی حادث می‌شود که قابل تأمل و بررسی است.

با مروری بر مقدمه ارائه‌شده و پرسش‌ها، پیش‌فرض‌ها و دیدگاه موجود در طرح این پرسش به شرح زیر قابل بیان است:

۱- همه مراکز زیارتی در تمامی شهرهای ایران، کانون‌های مهم و اصلی شهر است.

۲- مراکز زیارتی متناسب با رشد جمعیت هر شهر، احتیاج به توسعه دارد.

۳- تنها زیارتگاه‌های درون بافت‌های شهری، مورد نظر است و زیارتگاه‌هایی چون «پیر سبز»، «قره کلیسا»، «حقیوق نبی»، «شاه نعمت‌الله ولی» و ... مشمول این پرسش نیست.

۴- مقابر و زیارتگاه‌هایی مانند آرامگاه «ابن سینا»، «حافظ»، «سعدی»، «فردوسی»، «خیام»، «بهار»، «نیمای»، «نادر» و «تختی» که از اقبال عمومی برخوردار بوده، لیکن جنبه تقدس مذهبی ندارد، مورد بحث نیست.

• مراکز زیارتی و مذهبی کانون‌های مهمی در شهرها است، لیکن لزوماً در همه موارد به عنوان کانون‌های اصلی شهر عمل نمی‌کند. به طور مثال، حرم رضوی کانون مهم و اصلی شهر مشهد است، لیکن زیارتگاهی نه‌چندان گمنام مانند «امامزاده صالح» در بافت کهن شمیران با تمام حرمت و تقدس، چنین جایگاهی را در شهر تهران ندارد.

• همه بناهای زیارتی لزوماً نیازمند توسعه نبوده و رشد جمعیت شهر عامل تعیین‌کننده در توسعه زیارتگاه‌ها نیست. نیاز توسعه، تابعی از تقاضای زیارت است و به حوزه فرارگیری، شأن و جایگاه قطب زیارتی، آداب، نحوه و زمان زیارت و ... بستگی دارد. به طور مثال نیاز رشد و توسعه زیارتگاهی چون «بیت‌الله الحرام» وابسته به رشد جمعیت شهر مکه نیست، لیکن رشد زیارتگاه‌ها می‌تواند در توسعه و رونق شهر و بافت پیرامونی مؤثر باشد.

• فرض و مدل نادرستی از توسعه زیارتگاه‌ها که نسبت مستقیمی میان آن با رشد جمعیت شهری قائل است، بی‌توجهی به ضرورت هماهنگی طرح توسعه فضای زیارتی با توسعه شهر و بافت‌های پیرامونی، اغراق در مقیاس‌ها و تک‌بعدی دیدن موضوع زیارت باعث تخریب سطوح وسیعی از محیط‌های زیارتی می‌شود که سال‌ها به صورت مخروبه و خالی از سکنه، محل زندگی شهر بوده و سبب قطع ارتباط منطقه زیارتی و بافت‌های زنده شهری می‌شود. تجربه‌هایی مانند مرکز شهر مشهد و محور امیرالمؤمنین، مرکز شهر قم و محور حرم تا جمکران، اطراف مسجد جامع و شاهچراغ شیراز و طرح حرم تا حرم، حاصل طرح‌هایی غیرقابل اجرا و پرهزینه و ناموفق است.

• در صورت نیاز به توسعه مکان‌های زیارتی، رعایت موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

الف) توسعه مجموعه‌های زیارتی مرتبط با برنامه‌ریزی توسعه شهر و بافت‌های شهری.

ب) پرهیز از تک‌بعدی شدن عملکرد زیارتی و بی‌توجهی به ابعاد دیگر در توسعه مکان‌های زیارتی درون بافت‌های شهری.

ج) تصمیم‌گیری در نحوه و میزان مداخله و نیز تحقق‌پذیری طرح، متناسب با آستانه‌های حمایتی و تقاضای واقعی.

د) پرهیز از بارگذاری بیش از توان واقعی این مراکز و اغراق در ابعاد موضوع و نادیده‌گرفتن بافت‌پیرامونی.

ه) توجه به امکانات و استعداد‌های فرهنگی و اجتماعی شهر و بافت پیرامونی برای ایجاد تنوع و تقویت جاذبه‌ها و رشد دارایی‌های شهر و رونق محیط.